



Analysis and Explanation of Citizenship Rights in the Opinions of the Guardian Council, Focusing on the 8th Principle of the Constitution

Karim Torabi^{1*}, Ahmad Ommi²

1. Department of Private Law, Faculty of Law, Payam Noor University, Zanjan, Iran.

2. Department of Private Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Public supervision is a powerful lever to control power and maintain the system, the Guardian Council has a decisive and constructive role as an interpreter and fundamental teacher, the protection of citizens' rights in the votes of the Guardian Council is envisaged in the special role of legislative supervision and election supervision. to be The interaction or confrontation of citizenship rights and international humanitarian rights and the effect of the eighth principle of the constitution has been taken into consideration.

Method: The research and research method is descriptive, reference and library.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The Guardian Council can support and safeguard the principles of citizen rights due to its stability, binding nature, universality and high legal credibility, the complexity of the appeal process and also the expression of structural principles in the general policies of the system. In order to revive the eighth principle of the constitution, one should pay attention to the legal and judicial challenges and its epistemic and psychological damages. Citizenship and democracy are interdependent. Citizenship rights are the root of political and democratic development. The right to self-determination is a fundamental part of citizen's rights that is realized through the method of participation in collective affairs, the dependence and connection of citizens to their rights and freedoms will be an effective pillar in the stability and preservation of their rights in the society; In other words, citizenship rights and democracy are related and political development requires the protection of citizenship rights. Together, these two components will form the structural foundations of a democratic society.

Conclusion: Regarding the document of citizenship rights, it can be pointed out that there is no distinction between human rights and citizenship, whether this charter is a right or a law or a program, and the necessity of observing the principle of proportionality, and that citizenship rights can be fully legislated when they are revealed in the teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon him) seek help.

Keywords: Guardian Council; Principles of Public Law; Citizenship Rights; Social System; Human Rights, Constitution

Corresponding Author: Karim Torabi; **Email:** torabikarim@pnu.ac.ir

Received: March 12, 2024; **Accepted:** August 28, 2024; **Published Online:** November 06, 2024

Please cite this article as:

Torabi K, Ommi A. Analysis and Explanation of Citizenship Rights in the Opinions of the Guardian Council, Focusing on the 8th Principle of the Constitution. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e66.

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

تحلیل و تبیین حقوق شهروندی در آرای شورای نگهبان با محوریت اصل ۸ قانون اساسی

کریم ترابی^{۱*}، احمد امی^۲

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نظارت عمومی به عنوان یک اهرم قدرتمند برای کنترل قدرت و حفظ نظام می‌باشد، شورای نگهبان در مقام مفسر و دادرس اساسی، نقش تعیین‌کننده و سازنده دارد، صیانت از حقوق شهروندی در آرای شورای نگهبان در پرتو کارویژه نظارت تقنینی و نظارت بر انتخابات، متصور می‌شود. تعامل یا تقابل حقوق شهروندی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه و تأثیر اصل هشتم قانون اساسی بر آن مورد توجه قرار گرفته است.

روش: تحقیق و روش تحقیق به صورت توصیفی و استنادی و کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش این پژوهش، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: شورای نگهبان می‌تواند با توجه به ثبات، الزام‌آور بودن، فرادستی بودن و اعتبار بالای قانونی، پیچیدگی مسیر تجدید نظر و همچنین بیان اصول ساختاری در سیاست‌های کلی نظام موجبات حمایت و صیانت از اصول حقوق شهروندی را فراهم آورد. برای احیای اصل هشتم قانون اساسی باید به چالش‌های قانونی و قضایی و آسیب‌های معرفتی و روانی آن توجه کرد. حقوق شهروندی و دموکراسی با همدیگر وابستگی دارند. حقوق شهروندی، ریشه توسعه سیاسی و دموکراتیک می‌باشد. حق تعیین سرنوشت، جزء بنیادین حقوق شهروندی است که با روش مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می‌کند، وابستگی و ارتباط شهروندان به حقوق و آزادی‌هایشان، رکن مؤثری در پایداری و حفظ حقوق آن‌ها در جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی و دموکراسی به هم مرتبط هستند و توسعه سیاسی نیازمند حفظ حقوق شهروندی می‌باشد. این دو جزء مشترکاً، پایه‌های ساختاری جامعه دموکراتیک را تشکیل خواهند داد.

نتیجه‌گیری: در خصوص سند حقوق شهروندی می‌توان به عدم تفکیک بین حقوق بشر و شهروندی، حق بودن یا قانون یا برنامه‌بودن این منشور و لزوم رعایت اصل تناسب اشاره کرد و اینکه حقوق شهروندی هنگامی به صورت کامل قابل قانونگذاری است که از تعالیم و وحیانی در اندیشه اهل بیت (ع) استمداد بجوید.

واژگان کلیدی: شورای نگهبان؛ اصول حقوق عمومی؛ حقوق شهروندی؛ نظام اجتماعی؛ حقوق بشر؛ قانون اساسی

نویسنده مسئول: کریم ترابی؛ پست الکترونیک: torabikarim@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Torabi K, Ommi A. Analysis and Explanation of Citizenship Rights in the Opinions of the Guardian Council, Focusing on the 8th Principle of the Constitution. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e66.

مقدمه

اصول حقوق عمومی را می‌توان دسته‌ای از اصول برنامه‌ای، کلی و الزام‌آور دانست که در رده‌بندی هنجارها از منزلت والا برخوردارند، به گونه‌ای که سایر قواعد و مفاهیم جزئی‌تر از آن‌ها سرچشمه می‌گیرند. این اصول به ترسیم محورها، غایت‌ها و اهداف کلی اعمال حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان می‌پردازد. در موارد تردید می‌توان با استناد به آن‌ها جهت‌گیری این اعمال را مشخص کرد. از جمله مهم‌ترین اصول حقوق عمومی می‌توان به حاکمیت قانون، سلسله‌مراتب، شایسته‌سالاری و منع جمع مشاغل اشاره کرد (۱). دیدگاه‌های بنیادین و مبانی حقوق عمومی در هر کشور علاوه بر تبیین شکل‌گیری و مشروعیت حکومت، تنظیم‌کننده رابطه حکومت و مردم نیز هست، رویکرد لیبرالی از حقوق شهروندی، برآمده از مشروعیت بخشی امانیستی و منتج به حق محوری شهروند، تکلیف‌گریزی او و دیگر آسیب‌های ناشی از آن است، در حالی که جایگاه مردم در حقوق شهروندی اسلامی که ناشی از مشروعیت بخشی الهی است، مبین ماهیت و آثار کاملاً متفاوتی در روابط (خداوند - دولت - ملت) است (۲). حقوق شهروندی مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن، تکالیف و وظایف شهروندان را در قبال دولت و جامعه، مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین ضروری است اصول اساسی حقوق شهروندی به‌مثابه منظومه حقوق طبیعی و بشری شهروندان در اسنادی بالادستی تدوین شوند (۳). به عبارت دیگر حقوق شهروندی، یعنی فردی که در یک ملیت خاص، تابعیت پذیرفته و زندگی می‌کند، دارای حقوقی می‌باشد. از آنجا که هر حقی به همراه مسئولیت می‌باشد، مهم‌ترین مسئولیت آن می‌باشد که اگر می‌خواهد حق خودش محفوظ باشد، باید حافظ حقوق دیگران هم باشد (۴). در نظام اجتماعی، انسان به عنوان یک عنصر مؤثر در حیطه حقوق فردی و حقوق اجتماعی محسوب می‌شود. در این میان رابطه حق و تکلیف در ارتباط با انسان، مفهوم قابل ملاحظه‌ای است، چون حق اگر بخواهد نسبت به کسی مطرح شود، به همراهش تعهد و تکلیفی نیز مطرح

خواهد شد. در حقوق اسلام بین حق و تکلیف ملازمه وجود دارد (۵). از جهت ضمانت اجرا نیز برای اجرای حق چاره‌ای جز گره‌زدن آن با تکالیف دیگران نیست، یعنی حق دولت وقتی اجرا می‌شود که با تکلیف ملت گره بخورد و به عکس. بنابراین دو عامل در تحقق حقوق شخصی و اجتماعی و انجام تکالیف فردی و عمومی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند؛ یکی اعتقاد به وحدانیت الهی است و دیگری اخلاص در عمل (۶). قانون اساسی در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته و یک فصل مستقل را با توجه به اهمیت و جایگاه حقوق مردم به آن اختصاص داده است. صیانت از حقوق شهروندان توسط شورای نگهبان در دو بعد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: ۱- پاسداری از حقوق شهروندان در پرتو کارویژه نظارت تقنینی؛ ۲- پاسداری از حقوق شهروندان در پرتو کارویژه نظارت بر انتخابات (۷). حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی دو مفهوم همبسته و پیوسته در جامعه می‌باشند. حقوق شهروندی، شامل دسترسی به خدمات اساسی، حق آزادی بیان و حق رأی‌انداختن و سایر حقوق اساسی خواهد بود که به تمام افراد یک جامعه مربوط می‌شود و عدالت اجتماعی هم به توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها در جامعه اشاره می‌کند. قیاس ارتباط، بدین‌گونه است: عدالت اجتماعی زمانی جاریست که تمام افراد جامعه بتوانند به طور مساوی از حقوق شهروندی خود متمتع گردند. شورای نگهبان در مقام مفسر و دادرس اساسی، نقش تعیین‌کننده و سازنده‌ای دارد. لازم است این شورا، در نگرانی از حقوق ملت، علاوه بر تأکیدی که بر جنبه‌های ماهوی این تعهدات در نظر تفسیری خود داشته است. مجمع تشخیص مصلحت نظام و رهبری از طریق تدوین و تصویب سیاست‌های کلی نظام، مجلس شورای اسلامی از طریق تصویب قوانین مرتبط و قوه قضاییه از طریق رسیدگی به تظلمات و دادخواهی‌ها از نقض این حقوق و استناد هرچه بیشتر به اصول قانون اساسی و دیگر قوانین موجود و صدور حکم و تولید رویه مستند به آن‌ها، می‌توانند هرچه بیشتر به تبیین تعهدات دولت و اجرای بیشتر آن‌ها و کارایی و کارآمدی این حق‌ها در قانون اساسی کمک کنند، چه اینکه تمامی شاخه‌ها، شعب و ارکان حکومت در مقابل این حق‌ها متعهدند (۸). در تعامل

بیشتر از اصول حقوق شهروندی را فراهم سازند (۹). سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چه کسانی می‌توانند مدعی حقوق بشر گردند؟ در جواب باید گفت فقط خداگرایان و اصل‌گرایان می‌توانند مدعی حقوق بشر گردند، چون اصل حق شهروندی و حق بشر در دامن انبیا رشد کرده و به وجود آمده است و انبیا، اصل‌گرا، ذات‌گرا و غایت‌گرا هستند و آیات قرآن می‌تواند دلیلی بر گرایش به اصل‌گرایی و غایت‌گرایی و ذات‌گرایی باشد (۱۰).

روش

تحقیق و روش تحقیق به صورت توصیفی و استنادی و کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها

شورای نگهبان می‌تواند با توجه به ثبات، الزام‌آور بودن، فرادستی بودن و اعتبار بالای قانونی، پیچیدگی مسیر تجدید نظر و همچنین بیان اصول ساختاری در سیاست‌های کلی نظام موجبات حمایت و صیانت از اصول حقوق شهروندی را فراهم آرد. برای احیای اصل هشتم قانون اساسی باید به چالش‌های قانونی و قضایی و آسیب‌های معرفتی و روانی آن توجه کرد. حقوق شهروندی و دموکراسی با همدیگر وابستگی دارند. حقوق شهروندی، ریشه توسعه سیاسی و دموکراتیک می‌باشد. حق تعیین سرنوشت، جزء بنیادین حقوق شهروندی است که با روش مشارکت در امور جمعی تحقق پیدا می‌کند، وابستگی و ارتباط شهروندان به حقوق و آزادی‌هایشان، رکن مؤثری در پایداری و حفظ حقوق آن‌ها در جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر، حقوق شهروندی و دموکراسی به هم مرتبط هستند و توسعه سیاسی نیازمند حفظ حقوق شهروندی می‌باشد. این دو جزء مشترکاً، پایه‌های ساختاری جامعه دموکراتیک را تشکیل خواهند داد.

۱. مفهوم و مبانی حقوق شهروندی: شهروند در مقابل حقوقی که در برابر دولت دارد، همزمان تکالیف و مسئولیت‌هایی نیز بر عهده دارد که موظف به انجام آن‌هاست (۱۱). به دنبال

اصل هشتم قانون اساسی و تضمین حقوق شهروندی در آرای شورای نگهبان باید گفت، نظارت عمومی به عنوان یک اهرم قدرتمند برای کنترل قدرت و حفظ نظام می‌باشد و برای احیای اصل هشتم قانون اساسی باید به چالش‌های قانونی و قضایی و آسیب‌های معرفتی و روانی آن توجه کرد. در خصوص پیشینه پژوهش، آقای آقائی طوق و همکارش به مباحث آزادی شخصی خصوصی حق طبیعی در حقوق مصر پرداخته است، تحقیق آقای جاوید و همکارش دارای نگاه مفهومی است، نظریات و آرای شورای نگهبان مورد استفاده قرار نگرفته است و مصادیق حقوق شهروندی ذکر شده، جامع و مانع نیست، آقای اسماعیلی و همکارش در تحقیقشان به تعهدات حقوقی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه کرده و به مطالعه تطبیقی رژیم حقوقی حاکم بر تعهدات پرداخته است، تحقیق آقای محسنی و همکارش به عدم تحقق ماهیت دموکراسی و عدم تمکین قرائت لیبرالیستی برای این موضوع و عدم سازگاری آن با اصول نظام حقوقی اسلامی پرداخته و مباحث مطرح شده صورت تئوریک و نظریه‌پردازی داشته و فارغ از آرای شورای نگهبان بوده و رویکرد مصداقی در تبیین مفهومی نیز مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است. استفاده از مفاهیم اسلامی در تدوین و تبیین حقوق شهروندی، از نوع‌آوری برخوردار بوده که در این تحقیق، به تطبیق این امر و استنباط و استخراج نتایج پرداخته شده است. با توجه به اینکه مبنای ایجاد یک جمعیت و شهروندان می‌تواند بر اساس رابطه اسلامی یا ملی (مثل زبان، نژاد و...) باشد، تحقیق حاضر فرض را بر توافق اجتماعات بر مفهوم اسلامی گرفته است. همچنین مباحثی مانند حقوق خانواده، حقوق قضایی، حقوق کیفری و حقوق مدنی و سایر مؤلفه‌های حقوقی در قالب شهروندی، مستقلاً مطرح نشده است، چون هر کدام از این موضوعات، فی‌نفسه مباحث جداگانه‌ای را می‌طلبند. ثبات، الزام‌آور بودن، فرادستی بودن و اعتبار بالای قانونی، پیچیدگی مسیر تجدید نظر و همچنین بیان اصول ساختاری، ویژگی‌هایی هستند که در سیاست‌های کلی نظام وجود داشته و می‌توانند موجبات حمایت و صیانت هرچه

شود، جهانی بودن تکالیف و حقوق بشر را بهتر می‌توان دید و اثبات کرد و به مرحله عمل درآورد (۱۶). بنابراین اگر به سرنوشت مشترک میان انسان‌ها قائل شویم، می‌توانیم حقوق جهانی بشر را با یک بنیاد نظری معقولی تحلیل بکنیم. از آثار مهم نظریه فطرت، نفی نسبیت مطلق در معرفت و اخلاق، یعنی در عرصه شناخت، قائل به ادراکات فطری باشیم و در عرصه اخلاقی هم قائل به اصول بنیادینی مثل حسن عدل و قبح ظلم باشیم (۱۷).

۲. رویکرد تطبیقی حقوق شهروندی و حقوق بین‌المللی

بشردوستانه: منشور حقوق شهروندی در بعد سیاسی، شامل حقوقی است که به شهروندان حق می‌دهد در فرایندهای سیاسی شرکت نمایند. این حقوق شامل حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد و حق تشکل، تجمع و راهپیمایی خواهد بود و در بعد اجتماعی، منشور حقوق شهروندی حقوقی را دربر می‌گیرد که به شهروندان اجازه می‌دهد تا یک زندگی اجتماعی کامل را دارا باشند. این حقوق شامل حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی و حق کرامت و برابری انسانی، حق تشکیل و برخورداری از خانواده، حق رفاه و تأمین اجتماعی خواهد بود. صرف نظر از حقوق شهروندی بیان تناسب این لفظ با حقوق بشر نیز حائز اهمیت است. حقوق بشر و حقوق شهروندی دارای مبانی و فصل مشترک وسیعی هستند که حقوق شهروندی در ظرف حکومت و قلمرو دولت خاصی تحقق یافته و متقابلاً تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را شامل می‌شود، به طور کلی حقوق بشر بیشتر به حقوق توجه دارد، در صورتی که حقوق شهروندی به تکالیف و مسئولیت‌ها توجه دارد (۱۸). نسبت بین حقوق شهروندی و حقوق بشر، عموم و خصوص من وجه است، یعنی هرچند که حقوق بشر به حقوق هر انسان صرف نظر از موقعیت زندگی فردی و اجتماعی تعلق دارد، ولی حقوق شهروندی به حقوق انسان به خاطر زندگی در اجتماع معین می‌پردازد، در عین حال اجرای حقوق بشر بستگی به حقوق شهروندی دارد، مثل ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر

بحث «حق» و «حقوق» با مفهوم «تکلیف» و «تکالیف» نیز مواجه می‌شویم. با روشن شدن مفهوم «حق» و در پرتو آن، مفهوم «تکلیف» نیز مشخص خواهد شد. علاوه بر حفظ حقوق، دلایل دیگری برای رشد مسئولیت‌ها و تکالیف شهروندی وجود دارد و آن این است که تکالیف لازمه زندگی اجتماعی و مقتضای مشارکت سیاسی شهروندان در تعیین سرنوشت و اداره امور جمعی هستند. برای تحقق شهروندی کارآمد و تأثیرگذار، حق‌ها و تکالیف باید با هم ترکیب شوند (۱۱). در خصوص مبنای اعتبار حقوق بشر سؤالات جدی مطرح است، اینکه اعتبار اعلامیه حقوق بشر تا به کجاست؟ اگر از نظر عرف بین‌المللی اعتبار آن به امضای کسانی است که اعلامیه را امضا کرده‌اند، حال سؤال اینست که این اعلامیه نسبت به کسانی که آن را امضا نکرده‌اند، چه حجتی وجود دارد که آن را بپذیرند (۱۲). بطلان و دروغ بودن ادعای جوامع غربی در حمایت از حقوق بشر هنگامی آشکار می‌گردد که وقتی در کشوری بر اساس اصول دموکراسی، انتخاباتی انجام می‌گیرد و نتیجه آن به نفع مسلمانان و اسلام‌گرایان رقم می‌خورد و اکثریت آرا به حزبی که گرایش به اسلام دارد، است، در کمال ناباوری انتخابات باطل می‌گردد و پس از کودتای خشن نظامی، گروهی از نظامیان حکومت را به دست می‌گیرند (۱۳). اهداف و مبانی حقوق اسلام با اهداف سایر نظام‌ها تفاوت بسیار دارد، زیرا در نظام‌های بشری، حقوق، یک‌بعدی و تنها تنظیم‌کننده روابط مادی است، در حالی که نظام حقوقی اسلام دویبعدی است، و در عین حال که به زندگی دنیوی توجه کرده است که قانون فراگیر و کامل آن درباره روابط اجتماعی، بهترین دلیل بر این مطلب است (۱۴). وقتی از حقوق بشر در اسلام صحبت می‌شود، نمی‌تواند بشر مطلق باشد، بلکه بشری است که در ارتباط با خدا قرار گرفته، در حالی که حقوق بشر غربی، تسلیم هیچ محدودیتی نمی‌شود تا بتواند اطلاق خود را حفظ کند (۱۵). اگر منابع حقوق جهانی بشر را به یک اقلیم منحصر کنیم، محدودیت فرهنگی آن اقلیم، از تعمیم آن حقوق به همه جوامع بشری روی زمین جلوگیری خواهد کرد، در صورتی که اگر منبع اصلی حقوق و تکالیف بشری، دین فطری حضرت ابراهیم خلیل (ع) قرار داده

در مورد حق رجوع به محاکم ملی صالح یا ماده ۱۰ اعلامیه در مورد رسیدگی در دادگاه مستقل به طور علنی...، از جمله مواردی هستند که تضمین‌کننده حقوق ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان مثل حق حیات (ماده ۳ اعلامیه) منع شکنجه (ماده ۵) ... می‌باشند (۱۹). تفاوت شهروند با شبه شهروند، در عدم بهره‌مندی شبه‌شهروند از حقوق سیاسی و عدم بهره‌مندی کامل در حقوق اجتماعی است. بدیهی است که به سبب این محرومیت، شهروندان غیر تبعه موظف به انجام خدمت نظام وظیفه در کشور محل سکونت و یا اقامت نیستند (۱۱). مفهوم شهروندی حاوی یک تضاد است، بدان معنا که شهروند به خاطر وجود رابطه دوطرفه‌اش با دولت علاوه بر حقوق، دارای تکالیف و تعهدات نیز هست تا جایی که امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «حق اگر به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار رود و چون به زیان کسی اجرا شود، روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر بنا باشد حق به سود کسی اجرا شود و زبانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است نه دیگر آفریده‌ها» (۱۱، ۲۰). حقوق بین‌الملل بشردوستانه یک شاخه حقوق بین‌الملل است که برای تنظیم و تا حد امکان انسانی‌سازی درگیری‌های مسلحانه تنظیم شده است. با توجه به خطر بالای تلفات درگیری‌های مسلحانه، IHL حاوی تعدادی قانون مفصل در مورد مدیریت اجساد مرده است (۲۱). اعلامیه جهانی حقوق بشر نمایانگر اولین سند رسمی بین‌المللی است که در آن حقوق بشر به طور خاص ضبط شده است، اما به تنهایی نمی‌تواند از این حقوق در برابر نقض و نقض آن محافظت کند، زیرا این بیانیه توانایی اتصال ندارد و همچنین هنگام نقض مفاد آن هیچ روال یا مجازات را دربر نمی‌گیرد و هیچ ضمانتی برای اجرای آن وجود ندارد (۲۲). حقوق بشر را نمی‌توان به حقوق افراد/ شهروندان در دولت ملی تقلیل داد، زیرا این حقوق، در ریشه فلسفی خود در قرن هفدهم و هجدهم، همچنین شامل حقوق گروه سیاسی (ایالت، ملت) می‌شود. یک شهروند حقوق خود را در کشور خود دارد، اما او دارای حقوق فراگیرتری است که بر اساس آن، تملک او

بر حقوق فردی وی، یعنی حقوق سیاسی گروه که به او تعلق دارد، بستگی دارد (۲۳). از مصادیق حقوق بشری اینست که به واسطه وقوع مخاصمات مسلحانه فراوان بین انسان‌ها، تمدن‌ها، مذاهب و دولت‌ها، ایده صلح و تضمین حقوق انسان‌ها همواره یکی از آرمان‌های اصلی بشریت بوده است. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها وضع قوانین و مقرراتی تحت عنوان حقوق بشر دوستانه بوده است، به گونه‌ای که دولت‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه ملزم به رعایت و احترام به این قوانین باشند (۲۴). اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی به ابزاری نیرومند جهت اعمال سیاست‌ها و خواسته‌های کشورهای قدرتمند تبدیل شده است. این تأثیرات مخرب بر حقوق مردم کشور تحریم‌شده، با اجرای فراسرزمینی تحریم‌های اقتصادی و گسترده‌ای دامنه آن‌ها با اجرای گروهی از کشورهای قدرتمند و تبعیت کشورهای دنباله‌رو در صحنه بین‌المللی نمایان‌تر می‌شود (۲۵). حقوق بشر به شیوه‌های گوناگون برای ساخت من، فرد و موضوع مدرن، در صورتی که شهروند نباشند، مشارکت می‌کند. اول، آن‌ها در قانون اساسی به عنوان یک انسان واحد که از نظر قانونی شناسایی شده‌اند و دارای یک وضعیت قانون هستند؛ دوم، حقوق بشر فرد را به یک روش خاص و نه فنی بنا می‌کند. آن‌ها امتیازات ویژه را به افراد گونه‌ها (شخص‌محور) اختصاص می‌دهند و کمتر پیش می‌آید امتیازاتی را به گروه‌ها تخصیص دهند (۲۶). دولت‌های ملی هم باید درکی از هویت ملی داشته باشند. «هویت» ایده‌های است هم غنابخش و هم خطرناک و سازگار کردن آن با مفهوم حقوق بشر به وظیفه ضروری دستور کار تئوری حقوق بشر بدل شده است (۲۷)، در سطح تعبیر کلی و زبان انتزاعی، شاید حقوق بشر، جهانی باشند، اما به محض آنکه در شرایط خاص، برای دفاع یا انتقاد از گزینه‌های توزیعی خاص، ترجیحات یا سیاست‌های خاص، این حقوق دست‌آویز قرار می‌گیرند، آنگاه این حقوق ماهیت جانبدارانه خود را آشکار می‌سازند. آن‌ها تبدیل به ابزارهایی در راه اختصاص منابع و نزاع بر سر ظرفیت‌های نهادی می‌شوند (۲۸).

رابطه حقوق بشر و حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل بحث می‌باشد. مفهوم حقوق شهروندی بر اساس ارکان وجودی و روند تاریخی به دو مورد ایستا و پویا قابل تقسیم می‌باشد، پس، حقوق بشر نیز به دو دسته حقوق بشر جهانی و ملی تقسیم قابل تقسیم است. اشتراکاتی در اجزای وجودی هر یک از آن‌ها منجر به شکل‌گیری رابطه میان آن‌ها شد. مقدمتاً رابطه حقوق شهروندی ایستا با حقوق بشر ملی شکل گرفت و پیرو آن و به مقتضای زندگی مدرن بشری، رابطه حقوق شهروندی پویا با حقوق بشر جهانی ظاهر شد. قانون اساسی در قالب اصول سیستمی و جوهری حاوی هر دو این روابط می‌باشد، به طوری که رابطه حقوق شهروندی پویا و حقوق بشر جهانی در اصول جوهری و رابطه حقوق شهروندی ایستا با حقوق بشر ملی در اصول مکانیسمی قابل بیان است. تمثیلاً قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ذاتی خود را به مفاهیم حقوق بشر جهانی و حقوق شهروند پایدار و ارتباط آن‌ها اختصاص داده و در اصول مکانیسمی هم به مفاهیم شهروندی ایستا و حقوق بشر ملی و رابطه میان آن‌ها اشاره شده است. در مورد مسأله اسلام و حقوق بشر پاسخ‌های فکری مختلفی وجود دارد. برخی احتمال هم‌ترازی آن‌ها را رد کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر که به جهانی‌بودن حقوق بشر اعتقاد دارند، با استفاده از روش‌های مختلف خواستار آشتی بین آن‌ها شده‌اند. برخی از محققان راه حل‌های عملی برای حل و فصل تعارض را از طریق روش‌های سنتی قانون اسلامی پیشنهاد داده‌اند که اولویت باید به موضوع آزادی بیان و آزادی دانشگاهی در منطقه اسلامی داده شود (۲۹). ما در مصر می‌یابیم که مجموعه‌ای از قوانین که حقوق بیشتری را برای زنان تأیید می‌کند، در مقایسه با بسیاری از کشورهای خاورمیانه، به عنوان یک جنبش برای مدافعان زنان فعال می‌شود، برای اجرای آن قوانین و اصلاح دیگران و پیشنهاد دیگران تلاش می‌کند، زیرا مطالعات اجتماعی نشان داده است که گفتمان‌های دینی در مواردی متأثر از گفتمان رایج است (۳۰). حقوق بشر معیار مهمی را برای شناخت میزان تعهد دولت به ارزش‌های عدالت و انصاف و محافظت از حقوق شهروندان آن، آزادی‌های

اساسی آن‌ها و میزان درک این حقوقی‌ها از اهمیت آن حقوق و اشتیاق عملی آن‌ها برای بهره‌مندی از آن‌ها دارد. بنابراین بسیاری از کمیته‌هایی که در زمینه حمایت از حقوق بشر فعالیت می‌کنند، تأسیس شدند که برای ایجاد، تصویب و پیشبرد اصول حمایت کار بکنند (۳۱). این مفهوم که انسان برای انجام هر کاری آزاد است، مگر مواردی که توسط قانون منع شده است، می‌تواند برای همه افراد جذابیت داشته باشد و جذابیت این امر، هنگامی کم می‌شود که توسط پارلمان پادشاهی، محدودیت قانونی برای آن وضع شود (۳۲). حقوق و آزادی‌ها در تمامی زمان‌ها در معرض خطر نقض قرار دارد، بنابراین سازمان‌های حقوق بشری شناخته‌شده در افزایش آگاهی و فشار بر دولت‌ها برای دفاع از حقوق بشر نقش دارند و بر اعتبار و میزان احترام به این حقوق توسط دولت‌ها تأثیر می‌گذارند، اما از طرف دیگر، این سازمان‌ها در مقابله با دولت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند، ابزار اجرایی ندارند و تأثیر آن‌ها در زمینه حمایت در رسانه‌ها و تجدید نظر باقی مانده است (۳۳). اسلام همه حقوق اعم از فردی و اجتماعی آن را تبیین کرده و تنها دینی است که به حقوق انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای داده است، از دیدگاه تعالیم اسلامی، نه تنها انسان، بلکه هر موجودی به میزان حیطة وجودی خود دارای حق است و انسان که واجد گسترده‌ترین قلمرو وجودی در این عرصه خاکی است از حقوق بیشتری برخوردار است و از آنجا که موجودات دیگر مسخر او هستند، مکلف به رعایت حقوق همه آن‌هاست (۳۴)، البته در حقوق ایران، مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست، هرچند که مسلمان بودن موجب پاره‌ای از امتیازات مثل حق قضاوت یا ازدواج و... می‌شود. به طور کلی از جمع قوانین و مقررات مربوط به موضوع، این نتیجه حاصل می‌شود که اتباع ایران اعم از مسلمان و غیر مسلمان از حقوق مساوی، مگر در موارد خاص، برخوردارند (۳۵). یک دهه قبل، سن، ابراز تأسف کرد که «علیرغم افزایش بی‌سابقه در شکاف عمومی، دنیای معاصر آزادی‌های ابتدایی را به دلیل وجود تعداد عظیم پراکنده حتی بیشتر افراد دیگر نیز انکار می‌کند.» چنین نتیجه‌گیری مکاتبات مستقیم بین توسعه اقتصادی و توسعه انسانی را زیر سؤال

طور کلی در فصل سوم این میثاق ملی مشاهده می‌شود که ناظر بر حقوق مردم بوده و تعهد مقامات و نهادهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر رعایت آن‌ها تأکید دارد. این تعهد در هر سه بعد تقنینی، اجرا و قضا لازم‌الرعایه است (۴۰). در دیگر نظرات این شورا نیز از آغاز تاکنون رویه‌ای واحد مشاهده می‌شود که یا بر اساس موازین شرع مقدس و توسط فقهای این شورا از نقض حقوق مردم جلوگیری شده یا بر اساس اصول قانون اساسی تمامی اعضا بر مغایرت مصوبه به دلیل تعدی به حقوق شهروندان و به استناد اصول قانون اساسی تأکید کرده‌اند. یادآوری نظریه مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۲۲ مراجع به طرح استانی‌شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی خالی از لطف نباشد که مفاد مصوبه مزبور به دلیل کاهش مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت مغایر بند ۸ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد (۴۰).

۳-۱-۱. مصادیق رویکرد صیانتی آرای شورای نگهبان: شورای نگهبان در مقام مفسر و دادرس اساسی، نقش تعیین‌کننده و سازنده دارد، صیانت از حقوق شهروندی در آرای شورای نگهبان در پرتو کارویژه نظارت تقنینی و نظارت بر انتخابات، متصور می‌شود.

۳-۱-۱. آراء شورادرخصوص حاکمیت قانون: «لایحه قانونی دیوان عدالت اداری» نامه شماره ۱۵۲۳- ق مورخ ۱۴/۰۹/۶۰؛ تبصره ماده ۱۰ که تعیین تخلفات رؤسا و اعضای علی‌البدل و مشاورین دیوان را به موجب آیین‌نامه مصوب شورای عالی قضایی قرار داده، با توجه به اینکه این امر نیاز به قانون دارد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی است. قسمت اخیر ماده ۱۷ «مگر اینکه برابر آیین‌نامه مصوب شورای عالی قضایی وضع دیگری اتخاذ شود» نیز چون به شورای عالی قضایی امکان می‌دهد تغییراتی در قانون آیین دادرسی مدنی در مورد ابلاغ بدهد، خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی است.

۳-۱-۲. تحریم تزییع حقوق مکتسبه اشخاص: «طرح قانونی ایجاد تسهیلات برای ایثارگران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی» شماره: ۰۱۶۱ تاریخ: ۱۳۶۹/۰۲/۱۰ - اطلاق تبصره ۲ ماده ۶ و نیز اطلاق ماده ۸ چون در مواردی موجب تزییع

می‌برد، اگرچه تحقیقات نشان می‌دهد که تأثیر توسعه (استاتیک) اقتصادی بر انسان شرایط حقوق مثبت است، اما مطالعات بسیار کمتری عواقب رشد (پویا) رشد اقتصادی را در نظر می‌گیرند (۳۶).

۳. تضمین حقوق شهروندی در کارکرد تقنینی شورای نگهبان: در یک حکومت مردم‌سالار، قانون اساسی، به عنوان یک میثاق ملی و سند حقوقی، زمامداری را سامان می‌بخشد و حکومت و مردم در روابط متقابل خود مکلف به رعایت آن هستند (۳۷). در نامه الکترونیکی به دنبال استعلام من مبنی بر اینکه چرا شورای نگهبان ایران به عنوان اتاق دوم در نظر گرفته نشده است، IPU اظهار داشت: «ایران دارای یک مجلس یک‌جانبه است، زیرا اگرچه قانون اساسی در بخش مربوط به شورای نگهبان ارجاع می‌دهد. این قوه با اختیارات قانونگذاری، آنطور که باید یک مجلس نماینده مجلس ندارد، اختیار قانونی و نظارت ندارد. در واقع این نقش محدود به بررسی و تفسیر قوانینی است که توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است و آن‌ها اطمینان حاصل می‌کنند که آن‌ها قانون اساسی و اسلام را رعایت می‌کنند. [با این حال] به نظر می‌رسد شورای نگهبان همتای قانون اساسی است. دادگاه [و شوراها] اتاق دوم نیستند. در این نامه همچنین آمده است که قانون اساسی شماری از کشورها در بررسی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است (۳۸). به رغم اینکه در قانون اساسی و به خصوص نظرهای شورای نگهبان، مشابه با میثاق، تأکیدات بسیاری بر جنبه‌های ماهوی این تعهدات شده، از ساخت نظامی حقوقی برای پیاده‌سازی آن‌ها غفلت شده است، این در حالی است که آنچه می‌تواند تحقق آن‌ها را به صورت کامل تضمین کند، وجود رژیم حقوقی شفاف است، در غیر این صورت، با فلسفه اساسی‌سازی این حقوق در قانون اساسی مغایرت دارد (۳۹). با تعمق در اصول قانون اساسی مواردی چون اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات (اصول ۴۶ و ۱۵۹)، حفظ آزادی‌ها و حریم خصوصی (اصول ۲۲ و ۲۵)، منع تبعیض ناروا (اصل ۳ بندهای ۹، ۱۹، ۲۰ و ۲۸)، حق مالکیت (اصول ۲۲، ۴۶ و ۴۷) یا حق تعیین سرنوشت (اصل ۶) و به

حقوق ثابت و مکتسبه افراد دیگر می‌شود، مغایر موازین شرع و به لحاظ تبعیض ناروا با قانون اساسی مغایر است.

۳-۱-۳. **تکریم زندگی خصوصی و منع هتک حیثیت اشخاص:** «طرح لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت‌شده در انتخابات مختلف» شماره: ۵۱۷۳/۲۱/۷۸ تاریخ: ۱۳۷۸/۰۵/۲۸ - اطلاق ماده واحده و تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ آن در مورد اعلام کتبی رد صلاحیت به داوطلب به نحوی که در ماده و تبصره‌های مذکور آمده در مواردی که موجب اشاعه فحشا یا هتک حیثیت اشخاص و یا خلاف مصالح عمومی و نظام باشد، مخالف موازین شرع شناخته گردید. در ادامه لازم به ذکر است، مفهوم حقوق شهروندی زنان دارای جایگاه برتر در قانون اساسی نسبت به سند منشور حقوق شهروندی است. عامل محدودکننده مفهوم حقوق شهروندی زنان لزوم رعایت شرط مشخص شده، از جمله عدم اخلال در مبانی اسالم، عدم مخالفت با اسلام در اصول و مواد هر دو سند است (۴۱). همچنین شاهد تضاد برخی از مواد منشور با قوانین موجود در جامعه، از جمله بحث سکونت در قانون مدنی در ماده ۱۰۰۵ دیده و نیز ازدواج آزادانه با ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی هستیم. همچنین از دیگر نقاط ضعف منشور حقوق شهروندی این است که مواضع خود را در زمینه اشتغال و تصدی بدون تبعیض و نابرابری زنان توانمند و متخصص در مشاغل و پست‌های مهم و کلیدی شفاف‌سازی ننموده است (۴۱).

۳-۱-۴. **مصادیق دیگر حقوق شهروندی:** برای تبیین متعالی و اجتناب از اطاله کلام، می‌توان به مواردی چون آزادی بیان، آزادی شغل، اصل برائت، حرمت تزییع باورهای دینی و حرمت واگذاری امور به افراد فاقد صلاحیت لازم... که در آرای شورای نگهبان مورد صیانت قرار گرفته، اشاره کرد (۴۲-۴۳).

۳-۱-۵. **امنیت در آرای شورای نگهبان:** ماده ۷: هرگونه تغییر کاربری مصوب در مورد اماکن واقع در محدوده حریم امنیتی منوط به استعلام و کسب مجوز از دستگاه‌های صاحب حریم مربوطه موضوع مواد ۱ و ۲ این قانون است. تبصره: دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم موظفند ظرف مدت دو ماه

در خصوص استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند. دیدگاه ابهام: تبصره ماده ۷ که دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم را موظف کرده است ظرف دو ماه به استعلام نهادهای صادرکننده مجوز ساخت یا تغییر کاربری پاسخ دهند، واجد ابهام است. ابهام این تبصره از این جهت است که معلوم نیست اگر دستگاه‌های اجرایی مذکور در مدت دو ماه از زمان استعلام، پاسخی ندادند، تکلیف و نتیجه چه خواهد شد؟ آیا عدم پاسخ به استعلام به معنای تجویز اجرای عملیات عمرانی و یا تغییر کاربری است و یا اینکه مالک باید همچنان برای پاسخ استعلام صبر کرد؟ در صورتی که منظور از عدم پاسخ آن باشد که مالک باید تا زمان پاسخ استعلام صبر کند و در این مدت حق اعمال حقوق مالکانه خود، یعنی تغییر کاربری را نداشته باشد، از آن جهت که این موضوع موجبات تزییع حقوق مالک را فراهم می‌آورد، مغایر با موازین شرع است. بنابراین باید ابهام مربوط به تکلیف مالک پس از گذشت دو ماه و عدم پاسخ به استعلام، برطرف گردد تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت تبصره این ماده با موازین شرع اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت: تبصره ماده ۷، دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم را موظف کرده است که ظرف مدت دو ماه نسبت به استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند. این بدان معناست که اگر دستگاه‌های اجرایی در این مدت به استعلام مذکور پاسخ ندهند، مانعی قانونی برای اجرای عملیات عمرانی و یا تغییر کاربری از جهت مقررات امنیتی و حفاظتی برای مالک وجود ندارد، لذا تبصره ماده ۷ از این جهت ابهامی ندارد. تصمیم شورا: در تبصره ماده ۷، نسبت به موردی که دستگاه‌های اجرایی ظرف دو ماه اعلام نظر ننمایند، تعیین تکلیف نشده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد (۴۴).

۴. **تأثیر اصل ۸ قانون اساسی در کیفی‌سازی حقوق شهروندی:** در نظام اسلامی، نیرومندترین اهرم کنترل قدرت

سیاستمداران از تحت فرهنگ و سیاست غرب، تقویت اقتصاد و تخصیص بودجه برای اجرای این اصل، برطرف کردن ضعف متولیان و نهادهای مربوط به اجرای اصل هشتم، مانند نیروی انتظامی، حوزه‌های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد و... اشاره نمود (۴۸-۴۷).

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم چون نظارت عمومی به عنوان یک اهرم قدرتمند برای کنترل قدرت و حفظ نظام می‌باشد، مهم‌ترین مکانیسم تحقق حق تعیین سرنوشت شهروندان از طریق مشارکت می‌باشد که با تکیه بر آموزه‌های انسان‌شناسانه اسلام، از یکسو جهانی بودن حقوق بشر قابل دفاع خواهد بود و از سوی دیگر می‌توان محتوای معقول و معطوف به رشد انسان را برای حقوق بشر ساماندهی نمود. شورای نگهبان در مقام مفسر و دادرس اساسی، نقش تعیین‌کننده و سازنده دارد، صیانت از حقوق شهروندی در آرای شورای نگهبان در پرتو کارویژه نظارت تقنینی و نظارت بر انتخابات، متصور می‌شود. شورای نگهبان می‌تواند با توجه به ثبات، الزام‌آور بودن، فرادستی بودن و اعتبار بالای قانونی، پیچیدگی مسیر تجدید نظر و همچنین بیان اصول ساختاری در سیاست‌های کلی نظام موجبات حمایت و صیانت از اصول حقوق شهروندی را فراهم آورد. در خصوص سند حقوق شهروندی می‌توان به عدم تفکیک بین حقوق بشر و شهروندی، حق بودن یا قانون یا برنامه بودن این منشور و لزوم رعایت اصل تناسب اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود برای تعیین الزامات حقوق شهروندی به نکات زیر توجه کرد:

- ترویج اخلاق شهروندی موجب تضمین حقوق شهروندی است.
- برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی باید آموزش شهروندی و حقوق انسانی در برنامه‌های آموزشی و درسی عصر حاضر تدوین شود.
- برای احیای اصل هشتم قانون اساسی باید به چالش‌های قانونی و قضایی و آسیب‌های معرفتی و روانی آن توجه کرد.

و حفظ نظام، نظارت عمومی است که بر عهده عموم مردم نهاده شده است. این فریضه هم در ارتباط بین افراد جامعه با یکدیگر و هم در رابطه میان مردم و دولت لازم دانسته شده است، لذا امر به معروف و وظیفه مهمی است که موجب هوشیاری مردم و مسئولین و در نهایت منجر به حسن جریان امور و پیشگیری یا مقابله با مفسدات اجتماعی می‌شود (۳۷). برای رسیدن به جامعه سالم که آمال هر انسانی است، در حقوق اساسی هر جامعه روش‌ها و اصول و قواعدی مورد پذیرش و تصویب قرار می‌گیرد تا در اثر اجرای آن‌ها روابط سالم جمعی پدید آید و زمینه‌های مناسب برای رشد و تعالی همه‌جانبه آحاد جامعه فراهم گردد. این اصول و قوانین به طور کامل و در بهترین حالت در دین مبین اسلام وجود دارد (۴۵). قانون اساسی عربستان سعودی، امر به معروف و نهی از منکر را صرفاً وظیفه دولت می‌داند، ولی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انجام این فریضه را هم وظیفه دولت و هم وظیفه مردم می‌داند (۴۶). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان قانونی برگرفته از شرع مبین دارای چنین ویژگی‌هایی است که اجرای آن می‌تواند جامعه‌ای آرمانی را سامان بخشد و زمینه رشد، تعالی و کمال همه‌جانبه را برای شهروندان فراهم آورد. از جمله این اصول، اصل هشتم قانون اساسی با موضوع «امر به معروف و نهی از منکر» است که دقیقاً برگرفته از آیه قرآن و منطبق بر اهداف نظام اسلامی می‌باشد (۴۵). ضمانت اجرایی ناشی از احیای امر به معروف و نهی از منکر فردی و گروهی، منحصر به فرد بوده و به لحاظ درونی افراد را به رعایت حقوق بشر (و حقوق خداوند) و هم با وجود قواعد دقیق حقوقی افراد جامعه را به رعایت این ارزش‌ها وادار می‌کند (۴۶). آسیب‌های عمده عدم اجرای اصل هشتم عبارتند از: آسیب‌های معرفتی، روانی، آسیب‌های قانونی و قضایی (۴۵) و بررسی علل عدم اجرا شدن این اصل در بخش مردمی دارای نتایجی، از قبیل تقویت احساس مسئولیت‌پذیری، تقویت غیرت دینی، وضع قوانینی برای تعیین حدود اجرای آن و... داشته است که بسیار کارگشا در این زمینه است، اما در بخش حکومتی - مردمی می‌توان به خارج شدن حاکمان و

- دسته‌بندی حقوق متناسب و متناظر فردی و اجتماعی و اولویت‌بندی آن‌ها با توجه به نظام ارزشی - هنجاری.
- توجه به عوامل مختلف تهدیدکننده این حقوق.
- ارائه سیاست دقیق و کاربردی به منظور مقابله با تهدیدات فوق و بسط و گسترش حقوق شهروندی.

مشارکت نویسندگان

کریم ترابی: ارائه ایده و نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.

احمد امی: نظارت، ویرایش و تدوین.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Giahi AR, Saffari J, Mousazadeh E. The Principles of Public Law in Farabi's Thought. *Journal of Public Law Thoughts*. 2016; 5(1): 55-67. [Persian]
2. Tolabaki Taroghi A, Attar M. Necessities and Strategies for Establishing the National Human Rights Institution in the Islamic Republic of Iran (Based on the Constitution, Islamic Human Rights Declaration, Paris Declaration and The Precedent of the Countries). *Journal of Public Law Knowledge*. 2017; 6(17): 21-44. [Persian]
3. Tahan Nazif H, Mohammadi Ahmadabadi H. Ensuring citizenship rights under the design of a model with legal stability in Iran's legal system. *Journal of Islamic Human Rights*. 2016; 5(11): 93-112. [Persian]
4. Afrogh E. Citizen Rights and Justice. Tehran: Surah Mehr Publications; 2007. Ch.1 p.18. [Persian]
5. Ghorbania N. Human Rights and Humanitarian Rights. Qom: Islamic Culture and Thought Research Institute Publications; 2007. Vol.1 p.66. [Persian]
6. Javadi Amoli A. Right and Duty in Islam. Qom: Nashrasara Publishing House; 2008. Ch.3 p.185. [Persian]
7. Kadkhodaei A. Guardian Council and protection of citizens' rights. *Sharq Newspaper*. 2009. p.1. [Persian]
8. Esmaeili M, Amini Pezheh H. Analysis of the nature and the legal system of the State Commitments in the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Public Law Knowledge*. 2016; 5(14): 69-94. [Persian]
9. Tahan Nazif H, Mohammadi Ahmadabadi H, Ensuring citizenship rights under the design of a model with legal stability in Iran's legal system. *Two Quarterly Journals of Islamic Human Rights Studies*. 2017; 5(11): 93-112. [Persian]
10. Afrogh E. Citizen Rights and Justice. Tehran: Surah Mehr Publications; 2007. Ch.1 p.21. [Persian]
11. Javadi M, Ebrahimi M. Citizenship Duties in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Public Law Knowledge*. 2013; 2(4): 25-46. [Persian]
12. Misbah Yazdi M. The Political Theory of Islam. Qom: Publisher of Imam Khomeini Educational and Research Institute; 1999. Ch.2 Vol.1 p.129. [Persian]
13. Misbah Yazdi M. The Political Theory of Islam. Qom: Publisher of Imam Khomeini Educational and Research Institute; 1999. Ch.2 Vol.2 p.213. [Persian]
14. Qanawati J. Islamic Legal System. Qom: Department of Research and Compilation of Textbooks of the World Center for Islamic Sciences; 1998. Ch.1 p.54. [Persian]
15. Mohaghegh Damad SM. Encyclopaedia of Imam Ali (peace be upon him) (under the supervision of Ali Akbar Rashad). Qom: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization; 2006. [Persian]
16. Jafari M. Universal human rights: Research and application in the two systems of Islam and the West. Qom: Allameh Jafari Institute for Compilation and Publishing; 2006. Ch.2 p.139. [Persian]
17. Babaei E. Basics of citizenship rights in Islam (based on the theory of nature). Tehran: Citizenship Rights Conference; 2007. [Persian]
18. Mohseni F. The discourse of the criminal policy of the legislator in "The law respecting legitimate freedoms and protecting the rights of citizens approved in 2004". Tehran: Citizenship Rights Conference; 2007. [Persian]
19. Parvin F. Citizenship Rights in the Prophetic Life and Iranian Laws. *Journal of Islamic Social Studies*. 2008; 14(4): 89-118. [Persian]
20. Imam Ali (peace be upon him). *Nahj al-Balagha*. Translated by Dashti M. 5th ed. Qom: Afarine Publishing House; 2017. p.315. [Arabic]
21. Gaggioli G. International Humanitarian Law: The legal framework for humanitarian forensic action. *Forensic Science International*. 2018; 282: 184-194.
22. Jabbar M. Human Rights in the Constitutional Documents. Al-Markaz al-Dimokrati al-Arabi; 2016. [Arabic]
23. Belghaziz A. Human Rights: I'm not afraid of ideology!. *Al-Mustaqbal al-Arabi Magazine*. 2018; 477: 12-27. [Arabic]
24. Ardestani A, Kamjo E. Human Rights in the Time of Armed Conflicts: A Theoretical Study. *The Journal of Human Rights*. 2018; 13(1): 67-90. [Persian]
25. Razavi SMH, Zeynodini F. Legal Analysis of the Compliance of Economic Countermeasures with Human Rights: Economic Sanctions and Access to Food and Medicine. *The Journal of Human Rights*. 2019; 14(1): 1-17. [Persian]
26. Pollman C. The Role of Human Rights for the Construction of Personal Identity. *The Journal of Human Rights*. 2019; 14(1): 205-220. [Persian]

27. Freeman M. On the Reconciliation of Human Rights and Cultural Difference. *The Journal of Human Rights*. 2019; 14(1): 171-188. [Persian]
28. Petman J. Human Rights and Democracy: Marking the Boundaries of Community. *The Journal of Human Rights*. 2019; 14(1): 123-150. [Persian]
29. Al-Fijiri M. Islamic Shari'a and the Universality of Human Rights: Approaches and Approaches of Muslim Thinkers. Copenhagen: Human Rights across Cultures, Conference on Order in Our Period between the 15th and 16th December; 2010. p.21. [Arabic]
30. Hassan M. Culture, politics and human rights in the Arab world (women's rights in Egypt in the political, religious, and cultural discourse). Copenhagen: Human Rights across Cultures, Conference on Order in Our Period between the 15th and the 16th of December; 2010. p.35. [Arabic]
31. Abdul Moneim A. Al-Jinjah al-Maqqar ba Huqoq for human beings under the duties of the International Committee on Human Rights and the powers of the Human Rights Council. *Al-Sisyas al-Qanun Books*. 2011; 3(4): 309-326. [Arabic]
32. Hunt MA. A level and as level, law. London: Sweet & Maxwell; 2000. p.255.
33. Yunus A. The Role of Human Rights Institutions in the Protection of Public Rights and Freedoms. *Al-Sisiyah and Law Offices*. 2020; 12(1): 54-64. [Arabic]
34. Sadaqat QA. Features of the Jurisprudence of the Prophet's Household and its Role in Identifying and Supporting Civil Rights. *Marifat*. 2010; 19(7): 15-30. [Persian]
35. Kamiyar G. Urban Law. Tehran: Majed Publications; 2003. Ch.1 p.27. [Persian]
36. Cole WM. Too much of a good thing? Economic growth and human rights, 1960 to 2010. *Social Science Research*. 2017; 67: 72-90.
37. Javaid MJ, Ebrahimi M. "Citizenship Duties" in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Public Law Knowledge*. 2013; 2(4): 25-46. [Persian]
38. Naini M. Iran's second chamber? The guardian council. *The Journal of Legislative Studies*. 2006; 12(2): 198-222. [Persian]
39. Esmaili M, Amini Pejoh H. Analysis of the nature and the legal system of the State Commitments in the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Public Law Knowledge*. 2016; 5(14): 69-94. [Persian]
40. Kadkhodaei A. Guardian Council and protection of citizens' rights. *Sharq Newspaper*. 2010; 1. [Persian]
41. Jahangir Z, Kaveh Pishghadam M. Comparative Study of the Status of Women's Citizenship Rights in the Constitution and the Charter on Citizens' Rights of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Women and Society*. 2019; 10(2): 119-148. [Persian]
42. Document on economic disturbances. Letter No.1628-Q dated 1990/7/22: Plan for punishment of disruptors in the country's economic system. Available at: <http://www.nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatnPunishmentofthepertperatorsfbrbriberyembezzlementandfraud>.
43. Letter No.1557/M dated 1985/9/21; Bill to intensify the punishment of the perpetrators of bribery, embezzlement and fraud which was approved by the assembly. Available at: <http://www.nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatnRefer> and <http://www.nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn>. [Persian]
44. Date of approval by the Islamic Council: 2014/5/25 (second stage) Date of review by the Guardian Council: 2014/6/18. Available at: <http://www.nazarat.shorarc.ir/Forms/frmMatn.aspx?id00=G1YA14Ucsr8=&TN=17tLyhyOobhXEiNsIbmklOk8YWV9+S/vM+MWZPvDew=&MN=csaqpt/F9Oo=&id=IjE7%20vN0Cb8=&tablename02=17tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MrnN>. [Persian]
45. Basij A. Pathology of non-implementation of the 8th principle of the constitution. *Marifat*. 2008; 131: 109-128. [Persian]
46. Talabaki Toroghi A, Attar MS. Necessities and Strategies for Establishing the National Human Rights Institution in the Islamic Republic of Iran (Based on the Constitution, Islamic Human Rights Declaration, Paris Declaration and the Precedent of the Countries). *Journal of Public Law Knowledge*. 2017; 6(17): 21-44. [Persian]
47. Izadi A. Causes and factors of non-implementation of the eighth article of the constitution. Thesis. Tehran: University of Islamic Studies; 2012. [Persian]
48. Available at: <https://www.wiki.fmaroof.ir/index.php>.